

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بیانیه تحلیلی «حسینیه اندیشه» در لیک به فراخوان مقام معظم رهبری برای

**نقد، اصلاح و ارتقای**

## «سندالگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت»

و تشریح فعالیت های پژوهشی صورت گرفته در این عرصه بر اساس  
اندیشه آیت الله علامه سید منیرالدین حسینی الهاشمی (ره)

«توجه به احکام اولیه و احکام ثانویه»، «تغییر حکم بر اثر تبدل موضوع»، ... نیز در همین راستا مطرح شد، اما نمی توان انکار کرد که ابتکار نورانی مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست های کلان حاکم بر تدوین برنامه دوم توسعه در سال ۱۳۷۲، تلاشی جدید برای حضور دین در عرصه اداره نظام بود که جهت دهی مکتبی به نحوه اداره کشور را در سطح جدیدی پی گیری می کرد.

همین بصیرت و تیزی بود که در ادامه حرکت تکاملی خود، به تبعیت برنامه های توسعه از «چشم اندازها» توجه پیدا کرد و با دغدغه جریان اسلام در رفتار نظام، به عرصه والاتری ورود پیدا کرد و با تأکید

گرچه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش های مختلفی برای تحقق «حاکمیت اسلام بر زندگی اجتماعی» به عنوان شعار اساسی نهضت ملت ایران انجام شد و با تدابیر گوناگونی در تدوین قانون اساسی (از قبیل قرار گرفتن اصل ولایت مطلقه فقیه به عنوان منشأ توازن قوا، مقید شدن «قوه مقننه» به نظر شورای نگهبان در احراز عدم مخالفت قوانین با اسلام، مشروط شدن تصدی «قوه مجریه» به تنفیذ رهبری و وابستگی ریاست «قوه قضائیه» به انتصاب از سوی ولی فقیه و...) منعکس گردید و ایده هایی چون «ضرورت برخورداری از تعهد در کنار تخصص برای مدیران»،

بر ضرورت تدوین چشم انداز بیست ساله برای کشور، تلاش نمود تا تعریف ایران به «کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه» را - که اصطلاحی برخاسته از ادبیات توسعه پایدار و همه جانبه است -

به «هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام» مشروط کند. اما عدم تعیین «متغیر اصلی» بین این دو مؤلفه در سند چشم انداز، باعث شد که «قبض و بسط عینی میان ادبیات توسعه و ادبیات انقلاب» در عرصه تحقق این سند شکل بگیرد و درگیری بین ادبیات توسعه (به عنوان

یک امر کاربردی و کمی شده) و ادبیات انقلاب (به عنوان تجربه‌هایی عینی در اداره کشور که برخاسته از مکتب بود) ساختارهای اجتماعی رادوقطبی کند و کارکرد آنها را دچار بی نظمی و هرج و مرج

نماید. در واقع علی رغم این تلاش‌های بدیع و بی سابقه، مدل توسعه و دستگاه کارشناسی برآمده از آن - که به محاسبات مادی و دنیامحور و سرمایه سالارانه دچار بود - در عمل عینی خود این قیده‌ها را نپذیرفت و همواره تصمیمات و عملکردهای

انقلابی و مکتبی و عدالت محور و مستضعف‌گرا در اداره کشور را به چالش علمی و تخصصی کشید و آثار خود را در تغییر محاسبات مسئولین و دگرگونی در رفتار و عملکرد آنها و پیاده شدن آنها از قطار انقلاب به نمایش گذاشت و فشارهای شدیدتری را در تمامی موضوعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بر نظام

مقام معظم رهبری به جای عقب نشینی در مقابل کارشناسی مادی و برخلاف نسخه‌های کاربردی توسعه برای تغییر مسیر کشور، با راه اندازی «نشست اندیشه‌های راهبردی» و سفارش «تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، با دقت هر چه تمام‌تر بر «ارزشی مفهوم توسعه و الزامات آن» تأکید کردند و بر جایگزینی «توسعه» با «پیشرفت» پای فشردند. در واقع روند ارتقای نظام اسلامی در ملاحظه ابعاد پیچیده‌ی ارتباط بین «اسلام» و «اداره کشور» و سفارش علمی برای پی‌ریزی یک بنیان جدید، حقیقتاً مستحق برگزاری یک جشن ملی بود.

اسلامی وارد کرد.

اما اتکاء عمیق آن قائد مجاهد به قدرت و علم الهی و یقین پولادین به توانمندی اسلام و انقلاب اسلامی برای اداره کشور بر مبنای آرمان‌های مکتبی،

صورت داوطلبانه وارد عرصه پیگیری مطالبه علمی مقام معظم رهبری به عنوان نائب عام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه شد و در سال ۱۳۹۰ به پژوهش‌هایی پرداخت که در قالب کتاب «بررسی بیانات مقام معظم رهبری پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ تقریر، تحلیل، تکمیل» تدوین شد. این کتاب با محور قراردادن بیانات مقام معظم رهبری پیرامون الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان مبنای مورد وفاق همه علاقه‌مندان به تلاش در این عرصه، در مرحله اول و براساس یک روش نوین، به «تقریر» یا فهم قاعده‌مند از این بیانات پرداخته تا از برداشت‌های عوامانه، ناقص و غیرعلمی در این عرصه جلوگیری شود و همزمان شاخصه‌های اولیه‌ای برای مدیریت تحقیقات تولید الگو، استخراج گردد. سپس از آنجا که

تحولی خیره‌کننده را رقم زد و مقام معظم رهبری با تکرار مسیر اعجاز‌آمیز حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در عرصه‌های جدید و به جای انفعال و عقب‌نشینی در مقابل دستگاه عریض و طویل کارشناسی مادی و برخلاف نسخه‌های کاربردی توسعه برای تغییر مسیر کشور، با راه‌اندازی «نشست اندیشه‌های راهبردی» در سال ۱۳۸۹ و سفارش «تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، با دقت هر چه تمام‌تر بر «بار ارزشی مفهوم توسعه و الزامات آن» تأکید کردند و بر جایگزینی «توسعه» با «پیشرفت» پای فشردند و عملاً بر ضرورت تغییر بنیانی در علم اداره کشور و تحول در مدل توسعه و محاسبات آن صحنه گذاشتند. در واقع روند ارتقای نظام اسلامی در ملاحظه ابعاد پیچیده‌ی ارتباط بین «اسلام» و «اداره کشور» و طرح سفارش علمی در جهت تغییر وضع موجود و پی‌ریزی یک بنیان جدید، حقیقتاً مستحق برگزاری یک جشن ملی بود.

در همین راستا، حسینیه اندیشه با تکیه بر دستاوردهای پژوهشی مرحوم آیت‌الله علامه سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی و به سرپرستی مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین استاد مسعود صدوق و با فاصله کمی از برگزاری اولین نشست اندیشه‌های راهبردی، به



کتاب  
بررسی بیانات مقام  
معظم رهبری پیرامون  
الگوی اسلامی ایرانی  
پیشرفت؛ تقریر، تحلیل،  
تکمیل

این بیانات ناظر به یک مطالبه و سفارش علمی است و محقق آن به بحث‌های علمی و تخصصی وابستگی دارد، کتاب

وارد مرحله «تحلیل» شده و

تفصیلاً به این مهم می‌پردازد که ظرفیت ادبیات تخصصی در حوزه و دانشگاه، دچار چه ضعف‌هایی برای تحقق این مطالبه علمی هستند و چگونه از تشریح تخصصی «بار ارزشی توسعه» ناتوان‌اند و لذا مطالبه بدیع رهبری مبنی بر جریان اسلام در الگو به مثابه

ابزار مدیریت عینی جامعه را با خطر «تأویل نخبگانی» روبرو می‌کنند. پس مرحله «تکمیل» ضرورت پیدامی‌کند تا با دفاع استدلالی و آکادمیک از «بار ارزشی توسعه» و تبیین کیفیت جریان آن در نسخه‌های کاربردی متداول برای اداره کشور اولاً از تأویل نخبگانی و انزوای علمی این

سفارش حیاتی جلوگیری شود و ثانیاً از این طریق، سرفصل‌هایی جدید و دقیقی برای «مدیریت تحقیقات»

تولید الگو ارائه

گردد. همین

پژوهش بود

که طی چند

سال، مبنای

ارتباط فعال

و داوطلبانه‌ی

حسینیه اندیشه

با مرکز الگو قرار

گرفت و نقدهایی

علمی نسبت به

مسیر این مرکز

در سه سطح

«محتوا، برنامه و

سازمان تحقیقات

تولید الگو» را در

اختیار مدیران

محترم آن قرار داد.

با انتشار پیش‌نویس سند الگوی پایه توسط مرکز الگوی پیشرفت در زمستان ۱۳۹۴، «حسینیه اندیشه» به نقد و بررسی این سند در قالب کتاب «نقد و نقض پیش‌نویس الگوی پایه پیشرفت» پرداخت. در جریان این پژوهش مفصل، مدلل شده که این سند، حاوی جمع‌بندی از روند موجود در دهه‌های پس از انقلاب مبنی بر سازش بین ادبیات حوزه و ادبیات دانشگاه در اداره کشور و حفظ وضعیت موجود علمی بدون نوآوری است؛ روندی که اگر برای تحقق آرمان‌های نظام کفایت می‌کرد، هیچ‌گاه موجب طرح سفارش علمی بی‌نظیر «تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نمی‌شد.

اما با انتشار پیش‌نویس سند الگوی پایه توسط مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در زمستان ۱۳۹۴، «حسینیه اندیشه» پیش‌بینی‌های انتقادی خود پیرامون روند تحقیقاتی در مرکز الگو و منتهی‌شدن آن به تأویل نخبگانی را محقق شده دید و لذا

به نقد و بررسی این سند در قالب کتاب «نقد و نقض پیش‌نویس الگوی پایه پیشرفت» پرداخت و تمامی انتقادهای

پیش‌گفته را بر تمام بندهای این پیش‌نویس تطبیق داد. در جریان این پژوهش مفصل، مدلل شده که این سند، حاوی جمع‌بندی از روندهای پس از انقلاب مبنی بر سازش بین ادبیات حوزه و ادبیات دانشگاه در اداره کشور و حفظ وضعیت موجود علمی

بدون نوآوری است؛ روندی که اگر برای تحقق آرمان‌های نظام کفایت می‌کرد، هیچ‌گاه موجب طرح سفارش علمی بی‌نظیر «تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نمی‌شد. به عبارت دیگر، این سند همزمان با تأکید بر «اعتقادات فردی، اخلاق فردی، احکام فردی» که توسط ادبیات تخصصی حوزه بیان

شده، مدیریت اجتماعی و ساختارهای عینی را به تخصص‌های دانشگاهی - که همگی در راستای «ادبیات توسعه پایدار

و همه‌جانبه» هستند - واگذار کرده و به تألیف غیرقاعده‌مند بین «ارزش‌های فردی» و «مفهوم توسعه و ساختارهای اجتماعی برآمده از آن» دچار گردیده و عملاً تأکید تیزبینانه‌ی مقام معظم رهبری بر «بار ارزشی مقوله توسعه» را که باید تکیه‌گاه اساسی در تولید الگوی پیشرفت قرار

پیش‌نویس سند الگوی پایه، همزمان با تأکید بر «اعتقادات فردی، اخلاق فردی، احکام فردی» که توسط ادبیات تخصصی حوزه بیان شده، مدیریت اجتماعی و ساختارهای عینی را به تخصص‌های دانشگاهی - که همگی در راستای «ادبیات توسعه پایدار و همه‌جانبه» هستند - واگذار کرده و به تألیف غیرقاعده‌مند بین «ارزش‌های فردی» و «مفهوم توسعه و ساختارهای اجتماعی برآمده از آن» دچار گردیده و عملاً تأکید مقام معظم رهبری بر «بار ارزشی مقوله توسعه غربی» را نادیده گرفته است. همچنان که در آن، اثری از تحلیل «روند عینی» انقلاب اسلامی و تجربیات معجزه‌گون آن در اداره کشور به چشم نمی‌خورد.



کتاب  
نقد و نقض  
پیش‌نویس الگوی  
پایه پیشرفت

در دانشگاه دست زده است. همچنان که فارغ از نوآوری، حتی در مهندسی معکوس نسبت به الگوهای توسعه غربی نیز به نحو نازل و ناموفق عمل کرده است.

البته با وجود آن که کتاب «نقد و نقض پیش نویس الگوی پایه پیشرفت» در سال ۱۳۹۵ به اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و مدیران محترم مرکز الگو ارائه شد و تحسین برخی معاریف از نخبگان و تأمل برخی از اعضای شورای عالی را برانگیخت، متأسفانه زمینه‌ای برای مشارکت علمی از سوی

مرکز الگو فراهم نشد. پس از پایان این فعالیت‌های پژوهشی در مرحله «نقد و نقض»، حسینیه اندیشه وارد مرحله «طرح پیشنهادی» خود شد و با بهره‌مندی بیش از

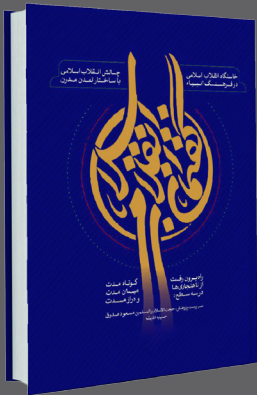
بگیرد، نادیده گرفته است. همچنان که در آن، اثری از تحلیل «روند عینی» انقلاب اسلامی و تجربیات معجزه‌گون آن در اداره کشور و تلاش برای تئوریزه کردن آنها جهت تغییر

در الگوهای رایج به چشم نمی‌خورد. در واقع این سند، از «بار ارزشی توسعه» به عنوان بیان محوری مقام معظم رهبری برای تولید الگوی جدید، درک روشنی ارائه نداده و فاقد تحلیل از کیفیت جریان این بار ارزشی در نسخه‌های متداول اداره کشور است و لذا طبعاً نتوانسته تفاوت خود را با الگوهای کاربردی توسعه روشن کند و از آنها فاصله بگیرد و به همین دلیل، به

جای «نوآوری در الگوی پیشرفت کشور» و «انتساب قاعده‌مند آن به دین»، به ترکیبی نامتجانس از معارف دینی فردی در حوزه و علوم اجتماعی کاربردی

حسینیه اندیشه در مرحله «طرح پیشنهادی» با بهره‌مندی بیش از چهار سال پژوهش در مسیر انقلاب فرهنگی به عنوان بستر تحقق تمدن نوین اسلامی، به ارائه پیشنهادهای مشخص برای تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت. لذا با تکیه بر سرفصل‌های تولید شده در عرصه «اعتقادات حکومتی، فقه حکومتی، اخلاق حکومتی»، پیشنهادهایی جایگزین برای «مبانی، آرمان، رسالت» الگو ارائه شد که این مباحث در کتاب «گفتمان انقلاب اسلامی» منعکس شده است. همچنین پیشنهادهای جایگزین برای «افق و تدابیر» در دو سطح میان‌مدت و بلندمدت، در کتاب «بررسی سه تئوری تولید ثروت، قدرت، اطلاع در سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی» به تفصیل آمده است.

تصریح کرد که مرحوم علامه آیت الله حسینی اهل‌اشمی - که پژوهش‌های فوق‌براساس مبانی تولیدی ایشان شکل گرفته - از سال ۱۳۵۸ به ضرورت تولید یک الگو براساس



▶ کتاب  
گفتمان انقلاب اسلامی

اسلام پی برده بود و تمام عمر مبارک خود را نیز در راه حل این مسأله و لوازم علمی آن مصروف کرد و لذا حداقل و به عنوان یک احتمال می‌توان گفت که تلاش‌های پژوهشی پیش‌گفته از ضرورت توجه به «یک راه طی شده» سخن می‌گوید؛ راهی که مرکز الگو خود را از بهره‌مندی از دستاوردهای بزرگ آن محروم کرده است.



▶ کتاب  
بررسی سه تئوری تولید  
ثروت، قدرت، اطلاع  
در سبک زندگی  
غربی و سبک زندگی  
اسلامی

چهل سال پژوهش در مسیر انقلاب فرهنگی به عنوان بستر تحقق تمدن نوین اسلامی، به ارائه پیشنهادهای مشخص برای تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پرداخت. لذا با تکیه بر سرفصل‌های تولید شده در عرصه «اعتقادات حکومتی، فقه حکومتی، اخلاق حکومتی»، پیشنهادهایی جایگزین برای «مبانی، آرمان، رسالت» الگو ارائه شد که این مباحث گرانبه در کتاب «گفتمان انقلاب اسلامی» منعکس شده است.

همچنان‌که با توجه به مباحث مفصلی که در نقد مدل توسعه غربی (نقد کتاب‌های مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، استراتژی توسعه صنعتی کشور، مبانی نظری و مستندات برنامه چهارم توسعه) انجام شده بود، پیشنهادهای جایگزین برای «افق و تدابیر» در دو سطح میان‌مدت و بلندمدت، در کتاب «بررسی سه تئوری تولید ثروت، قدرت، اطلاع در سبک زندگی غربی و سبک زندگی اسلامی» به تفصیل آمده تا نحوه خروج قاعده‌مند از ساختارهای مادی توسعه روشن شده و براساس آن، روند حرکت به سوی ساختارهای الهی پیشرفت تبیین گردد.

در پایان باید به این واقعیت



مجموعه کتاب‌های منتشر شده حسینیہ اندیشه در دو بخش: «نقد فعالیت‌ها و اسناد ارائه شده توسط مرکز الگوی پیشرفت» و «طرح پیشنهادات جایگزین برای تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت». اسناد پشتیبان این کتاب‌ها (بالغ بر ۳۵۰ عنوان پژوهشی) در قالب یک نمایشگاه دائمی در شهر مقدس قم، آماده برای دیدار بازدیدکنندگان است.



شرح مختصری پیرامون اسناد پشتیبان و سوابق پژوهشی آن، در این جزوه با عنوان «چهل و هشت سال پژوهش در مسیر انقلاب فرهنگی؛ بستر تمدن نوین اسلامی» آمده است.



حسینیہ اندیشه



@hossinihandisheh

تلفن ارسال پیام در پیام‌رسان‌ها: ۰۹۱۹۸۲۸۶۹۶۴

تلفن تماس با حسینیہ اندیشه: ۰۹۱۹۱۹۴۴۷۲۲۶-۰۹۱۲۷۵۰۲۹۹۴